



فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام - سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۹۸

صص ۱۰۰ - ۸۱

## جایگاه دیپلماسی عمومی و قدرت نرم در جهان اسلام در افق ۱۴۱۴ (ه.ش)

محسن قاسمی\* - دانشجوی دکتری در رشته روابط بین الملل دانشگاه نووا لیبیون.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۷

### چکیده

بروز تحولات و بی ثباتی‌های سیاسی - امنیتی در جهان اسلام، همگی معطوف به موقعیت قدرت نرم و ارتباطات گروه‌های فراملی و هویت بخش و هم‌چنین نهادهای غیردولتی بوده است. بدیهی است، قدرت نرم در اسلام نشأت گرفته از ارزش‌های الهی بوده که به کنش‌گران، نقش آینده ساز اعطا می‌کند. در این مقاله تلاش می‌شود تا دیپلماسی عمومی که کار ویژه‌ای نرم گونه در ایجاد آگاهی‌بخشی و ارتباطات مفید بین‌الدولی و بین‌المللی دارد، به عنوان عاملی در جهت امنیت‌بخشی و هموارگر در رسیدن به ثبات سیاسی و نهایتاً دموکراسی در کشورهای اسلامی معرفی گردد. ارزش‌های مشترکی که بعد از دهه ۸۰ میلادی در ساختار قدرت در کشورهای مختلف جای گرفته‌اند، می‌توانند در جلوگیری از خشونت و رادیکالیسم مذهبی، چهره مخدوش شده اسلام را بازسازی نمایند. روشن است که، در بین جوامع اسلامی ابزار دیپلماسی عمومی مغفول و دستخوش بازی‌های سیاسی گردیده که با ایجاد استراتژی معکوس صلح و ثبات محقق می‌گردد.

کلید واژگان: دیپلماسی عمومی، قدرت نرم، جهان اسلام، دموکراسی، ثبات.

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

در جهان اسلام بعد از تحولات انقلابی و فرهنگی ساختاری در غرب و جنوب غرب آسیا و بالتبع در کشورهای دارای پیشینه اسلامی و گفتمان‌گرا، ایدئولوژی‌های اسلامی در قالب‌های گوناگون شکل گرفتند که تغییر پارادایم حاکم در نظام دوقطبی را تحت‌الشعاع خود قرار دادند. شرایط نوین در عرصه نظام بین‌الملل عامل ایجاد و بروز مؤلفه‌های جدید در ساختار جهان گردیده است. کشورهای اسلام‌گرا در جهان اسلام با وجود تقارب و اشتراکات فرهنگی و دین مشترک، در رسیدن به وحدت کلمه بسیار ارتباطات شکننده‌ای دارند و اغلب دسته‌بندی‌های سیاسی و ایدئولوژیکی را در سیاست‌گذاری‌های خود اعمال نموده که عمدتاً نتیجه شومی در پی خواهد داشت. البته در این زمینه کشورهایی مانند ایران نقش مهمی در راستای وحدت و تنش‌زدایی داشته‌اند اما بدلیل عدم برنامه‌ریزی مدون و بازخوردگرا، همواره به تکرار کنفرانس‌های فصلی و زمانی بسنده نموده است. به تعبیر دیگر، بعد فرهنگی و نرم ارتباطات در جهت برآورد آماری و کمی مغفول مانده و دیپلماسی عمومی فقط در حوزه نمایش محقق گردیده است. در دیگر کشورهای اسلامی نیاز فرهنگی و ایدئولوژیکی یا کمتر تحت تأثیر سیاست‌گذاری‌های کشورها بوده یا به نوعی در قالب فعالیت‌های اقتصادی و تجاری با دیگر کشورها معنا یافته است که البته در نهایت از مفهوم دیپلماسی عمومی خارج می‌گردد. در اوضاع جهان‌شمول فعلی و با توجه به روند جهانی شدن، مؤلفه‌های فرهنگی و اقتصادی پا به پای هم پیش نرفته‌اند و با نگاهی کلی می‌توان ضعف عملکرد کشورها در جهت به کارگیری توانمندی‌های فرهنگی و اسلامی در بعد دیپلماسی عمومی را مشاهده نمود.

بارزترین موضوع در جهان اسلام، افراط‌گرایی و تفرقه ایدئولوژیکی بوده که از درون و بیرون از گفتمان اسلامی در همه شاخه‌ها، در حال تنش و تشدید می‌باشد. با تعریف ساده‌ای از فقر می‌توان به این نتیجه رسید که فقر در حالت عادی به لغت poverty و در یونانی با واژه Aporia یعنی راه به جایی نداشتن ارتباط پیدا می‌کند (Mark Henry, 1995:80). فقر مطلق به اینکه فرد به نیازهای ابتدایی زندگی دسترسی نداشته باشد، اشاره دارد. یعنی چیزهایی نظیر آب پاکیزه، تغذیه، خدمات بهداشتی، آموزش، پوشاک و سرپناه. امروزه تخمین زده می‌شود که حدود ۱/۷ میلیارد نفر در جهان در فقر مطلق زندگی می‌کنند.

بی شک آنچه در این مقوله فقر در این تحقیق مهم خواهد بود، موضوع فقر فرهنگی و آموزشی در حد اعلای خود می باشد که در راستای فعالیت های مدنی توسط سازمان های غیر دولتی و مردمی و همچنین خصوصی قابل رفع می باشد. به تعبیر دیگر، فقر آموزشی باعث بروز افراطی گری و جهل می گردد و می توان به شاخصه های دیپلماسی عمومی اشاره داشت، که در زمینه های ارتباطات جهان شمول و گسترش همه جانبه در مقابل تضاد و تشتت آراء بازتعریف می گردند. این نوع دیپلماسی در جهت تغییرات در شکل دیپلماسی سنتی بوجود آمده و با قدرت نرم معنا پیدا می کند. دیپلماسی عمومی در عصر جهانی شدن مفهومی جدید برای کشورهای نوظهور و در حال توسعه قلمداد می گردد که با مفاهیمی مانند پروپاگاندا، اطلاع رسانی، تبلیغات بین المللی، رسانه های جمعی و برنامه های فرهنگی بیان و اجرا می شده و کماکان اجرا می گردد.

از زاویه دیگر امروزه دیپلماسی فقط به فعالیت های وزیر خارجه و دستگاه وزارت خارجه، سفرا و کارگزاران خلاصه نمی شود، بلکه دیپلماسی می تواند از طرف مقامات رسمی سایر وزارت خانه ها غیر از وزارت خارجه یا سایر نهادها و سازمان هایی که با هم تیان خارجی سروکار دارند، شکل گیرد و در این راستا نمایندگان سازمان های بین المللی و منطقه ای نیز مطرح می باشند (Simber, 2006: 52). هر بار که تغییر عمده ای در ساختار نظام بین المللی حاکم شده است، نقش دیپلماسی در سیاست جهانی نیز مورد بررسی و بازنگری مجدد قرار گرفته است.

ما در این تحقیق با این سؤال به استدلال می پردازیم که نقش و جایگاه دیپلماسی عمومی و قدرت نرم در آینده جهان اسلام در افق ۱۴۱۴ چیست؟ آیا در زمینه دیپلماسی عمومی امیدی به شکوفایی و گسترش وحدت در بین مسلمانان وجود خواهد داشت؟ دیپلماسی عمومی چه نقشی در گسترش دموکراسی در جهان اسلام خواهد داشت؟ در ادامه، سؤالات ذکر شده نیز با این فرضیات پاسخ داده خواهند شد که دیپلماسی عمومی که کار ویژه ای نرم گونه در ایجاد آگاهی بخشی و ارتباطات مفید بین الدولی و بین المللی دارد، به عنوان عاملی در جهت امنیت بخشی و هموارگر در رسیدن به ثبات سیاسی و نهایتاً دموکراسی در کشورهای اسلامی معرفی گردد. ارزش های مشترک جوامع اسلامی که بعد از دهه ۸۰ میلادی توسط گروه های اسلام گرا گسترش یافته و در ساختار قدرت در کشورهای مختلف جای گرفته اند، می توانند در جلوگیری از خشونت و رادیکالیسم مذهبی با به کارگیری ابزارهای جدید قدرت نرم و دیپلماسی عمومی چهره مخدوش شده اسلام را بازسازی

نموده و عاملی برای دموکراتیزه کردن جوامع باشند. با عنایت به موضوعات مورد اشاره، قدرت نرم، منبع و مأخذ دیپلماسی عمومی شناخته خواهد شد. با اتکاء به دیپلماسی عمومی، اهرم‌های قدرت نرم در جهان اسلام می‌توانند به کار گرفته شوند و هم افزایی و یکپارچگی در جهت پذیرش دیدگاهها در یک مکتب به عنوان مکتب اسلام محقق گردد. شرایط فعلی و جدید جهان اسلام به گونه‌ی است که دیدگاه رقابتی از نوع نفی دیگری در این حلقه مشهود و محسوس گردیده و می‌بایست در جهت رفع این دیدگاه و گفتمان به سمت همکاری و پذیرش حرکت کرد. از این رو کشورهای مسلمان می‌بایست در کنار قدرت نظامی و اقتصادی خود، از ابزار قدرت نرم و دیپلماسی عمومی نیز در جهت تنش زدایی و رفع ابهامات در افکار عمومی فعالیت‌های زیادی را انجام دهند.

در جهان اسلام، از کشورهایی مانند ایران، مصر، سوریه، عراق، لبنان، عربستان و ... می‌توان نام برد که به عنوان کشورهایی با تمدن و پیشینه فرهنگی هستند که در دنیا با این غنای تاریخی و فرهنگی و تأثیرگذاری در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، مثال زدنی می‌باشند. فرصت ایجاد همزیستی‌های مسالمت‌آمیز در ورای اختلافات عقیدتی با به کارگیری قدرت نرم در ساختار دیپلماسی عمومی مهیا بوده و می‌بایست در قرن بیست و یکم به این بازتعریف در حوزه تعاملاتی بین‌المللی رسید که زمان افراط گرایی به پایان رسیده و تجربه جنگ‌های صلیبی و حوادث قرون وسطی می‌توانند الگوی مناسبی در این راستا باشند. با توجه به اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی کشورها در حوزه سیاست خارجی، به نظر می‌رسد که می‌بایست برای کارآمدی هر چه بیش‌تر، تدابیر و روش‌های جدیدی در روابط خارجی اتخاذ گردد تا اهداف به آسانی محقق گردند.

## ۲. پیشینه تحقیق

آنچه که در ادامه خواهد آمد پیشینه تحقیق و هم‌چنین بررسی مفهوم دیپلماسی عمومی و قدرت نرم خواهد بود که در سده‌ی اخیر در خصوص آینده دیپلماسی مؤثر از پیشرفت‌های فناوری مانند اختراع رادیو و تلگراف شکل گرفته و از جمله مداخلات حوزه عمومی در تعیین سیاست خارجی دلیلی شد تا دیپلماسی بازتعریف شود. اما در قرن ۲۰، با توجه به موارد گفته شده، نه تنها دیپلماسی محدود نگردید بلکه در حوزه‌های متنوع جدید و جذاب‌تری به منصفه ظهور رسید. اولین و مهم‌ترین عاملی که از نظر سیاسی بر دیپلماسی تأثیر می‌گذارد کاهش نسبی نقش دولت‌ها

می‌باشد. امروزه دولت‌ها با رقابت شدید از طرف سایر بازیگران دیگر روبه‌رو هستند. بخش خصوصی، گروه‌های مذهبی، مهاجران، رسانه‌ها و سایر پدیده‌های موجود در جامعه مدنی، درخواست دیده شدن داشته و از دولت‌های تابعه می‌خواهند که نقش بیشتری در تحولات سیاسی - اجتماعی داشته باشند و در اتخاذ سیاست خارجی و اجرای آن مؤثر باشند. مردم می‌خواهند که آزادانه مسافرت کنند و در خارج از کشور دارای فعالیت‌های اقتصادی باشند و در مبادلات فرهنگی نیز مؤثر باشند (Simber, 2006: 56).

در راستای بررسی تحقیقات صورت گرفته در حوزه دیپلماسی عمومی در جهان اسلام به مقالاتی برخورد کرده که بیشتر جایگاه ایران و سیاست خارجی ایران را در این حوزه بررسی می‌کنند. برای مثال مقاله دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام فرصت‌ها، اقدامات، اولویت‌ها و دستاوردها از جلال درخشه و مصطفی غفاری می‌باشد که به دنبال پاسخی برای این پرسش که دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام چگونه است، از الگوی مفهومی و راهبردی دیپلماسی عمومی الهام می‌گیرد و با تمرکز بر حوزه جغرافیایی جهان اسلام، ابعاد مختلف دیپلماسی عمومی ایران را بررسی می‌کند. به باور نویسندگان منابع فرصت ساز قدرت نرم جمهوری اسلامی در چارچوب دو راهبرد آموزشی و رسانه‌ای در دیپلماسی عمومی به کارگرفته شده و با تمرکز بر دو محور خاورمیانه و آسیای مرکزی، دستاوردهایی مانند گسترش بیداری اسلامی و افزایش عمق راهبردی ایران را به دنبال آورده‌اند. مقالاتی مانند دیپلماسی عمومی و الگوی اسلامی آن توسط مسعود اخوان کاظمی نیز به پیشینه دیپلماسی عمومی پرداخته و سیاست خارجی در زمان پیامبر اسلام را بررسی و تبیین می‌نماید. نوشته دیگری از محمدحسن شیخ‌الاسلامی و امیر فاطمی صدر در خصوص دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در لبنان که با هدف ارائه چارچوب توصیفی - تحلیلی به دنبال کشف چگونگی موفقیت دیپلماسی عمومی ایران در لبنان می‌باشد. در مقالات دیگری نیز در ارتباط با جایگاه قدرت نرم در اسلام و کاربرد مؤلفه‌های آن در جمهوری اسلامی ایران از مهدی جعفری پناه و حسین پوراحمدی آمده است که به ارزیابی کاربرد مؤلفه‌های قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران پرداخته و بیان می‌کند که ارزش‌هایی چون شهادت‌طلبی، معنویت‌گرایی، عدالت‌باوری و استقلال‌طلبی با ایجاد تحول فرهنگی در سطح داخلی بر روند تحولات خودباوری دینی و بیداری اسلامی در حوزه پیرامونی

خود نیز تأثیرگذار بوده است. در مقاله‌ای دیگر تحت عنوان مؤلفه‌های الهام بخشی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام: مطالعه سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه توسط سیدمحمدجوادی قریبی نوشته شده و استدلال می‌کند که الهام بخشی انقلاب اسلامی و به تبع آن جمهوری اسلامی ایران، اشاره به گزینش سیاست‌های مسالمت‌آمیز و نرم‌افزاری دارد که مترصد ترویج و اشاعه ارزش‌ها، مبانی و اهداف انقلاب اسلامی و جامعه ایرانی در کشورهای منطقه و جهان اسلام می‌باشد و در عین حال، ارتباط معناداری بین مؤلفه‌های الهام بخشی ایران در جهان اسلام با قدرت نرم وجود دارد و مؤلفه‌های الهام بخشی در سیاست‌های کلی این برنامه شامل: توسعه دانایی محور، ارزش‌ها و مبانی انقلاب اسلامی، ارائه سبک زندگی اسلامی- ایرانی، فرهنگ و معارف دینی، توسعه هویت اسلامی- ایرانی، علم و فناوری می‌شود که توانمندی و ظرفیت قدرت نرم جامعه ایرانی را در جهان اسلام ارتقاء می‌دهند. با توجه به موضوع تحقیق در این مقاله می‌توان به خوبی جای خالی موضوعات تحقیقی و پژوهشی- کاربردی در حوزه جهان اسلام بصورت کلان در زمینه دیپلماسی عمومی را مشاهده نمود. مبرهن است که تحقیقات پیشین به نوعی در جهت منافع ملی ایران و تبیین ارزش‌های اسلامی در سیاست خارجی ایران پرداخته و سعی در ایجاد ارتباطات گسترده در این مسیر دارند که این جاده یک طرفه‌ای می‌باشد که بستر اتحاد و همبستگی را محدود به یک نوع نگرش می‌نماید.

### ۳. روش و نظریه تحقیق

در این مقاله با هدف ارائه چارچوبی توصیفی-تحلیلی به تبیین موضوع پرداخته و با توجه به اینکه دیپلماسی عمومی یکی از ابزارها و اهرم‌های قدرت نرم شناخته شده است و برای پیشبرد اهداف، از این مفهوم نشأت می‌گیرد، لذا تلاش شده تا از منظر مفهومی و ساختاری نظریه قدرت نرم را در این تحقیق به کار ببریم. با توجه به نظریات جوزف نای که می‌گوید؛ علاوه بر اینکه منابع ملموس در حوزه دیپلماسی اشاره شده، منابع غیر ملموس نیز در این راستا ظهور یافته و کشورها می‌بایست در حوزه منابع غیر ملموس که همان قدرت نرم می‌باشد ورود پیدا کنند. به تعبیر دیگر منابع کمی قدرت مانند جغرافیا، مردم و بخش نظامی نباید به تنهایی مهم تلقی گردند بلکه منابع غیرکمی نیز که در حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی و ارتباطاتی بشمار می‌روند، بسیار قابل اهمیت می‌باشند.

قدرت نرم؛ این مفهوم و نظریه به معنی توانایی تأثیرگذاری بر دیگران برای کسب نتایج مطلوب از طریق جذابیت به جای اجبار یا تطمیع است (Nye, 2004: 34). شایان ذکر است که البته ایده‌ی جذب به عنوان نوعی از قدرت به فیلسوفان چین باستان از جمله لائوتسه در قرن هفتم قبل از میلاد بر می‌گردد.

مفهوم قدرت نرم را اولین بار جوزف نای از دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۹۰ در کتابی، با نام «تغییر ماهیت قدرت آمریکایی» مطرح کرد (BBC, 1393/09/01). وی در سال ۲۰۰۴ مفهوم قدرت نرم را در کتاب «قدرت نرم: راه موفقیت در سیاست‌های جهانی» بسط داد. در مقابل قدرت نرم واژه تهدید نرم معرفی می‌شود که مفهوم آن را تحولاتی می‌دانند که موجب دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوی رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی می‌شود. هم‌اکنون این واژه در سطح بین‌المللی به طور گسترده مورد استفاده تحلیل‌گران قرار گرفته است.

#### ۴. یافته‌های تحقیق

##### اشکال دیپلماسی:

(۱) دیپلماسی سنتی

(۲) دیپلماسی عمومی

دیپلماسی عمومی در فرهنگ واژگان اصطلاحات روابط بین‌الملل که در سال ۱۹۸۵ توسط وزارت خارجه آمریکا منتشر شده این چنین تعریف شده است: «دیپلماسی عمومی به برنامه‌های تحت حمایت دولت اشاره دارد که هدف از آنها اطلاع‌رسانی یا تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی در کشورهای دیگر است؛ ابزار اصلی آن نیز انتشار متن، تصاویر متحرک، مبادلات فرهنگی، رادیو و تلویزیون (و اینترنت) است» (Sabilianan, 2004: 86).

میان دیپلماسی عمومی و دیپلماسی سنتی تفاوت‌های جدی وجود دارد؛ دیپلماسی عمومی صرفاً با دولت‌ها سروکار ندارد بلکه مخاطب خود را در میان افراد و سازمان‌های غیرحکومتی می‌جوید. از سوی دیگر گفته می‌شود فعالیت‌های دیپلماسی عمومی می‌تواند معرف دیدگاه‌های متفاوتی باشد که از سوی افراد و سازمان‌های خصوصی یک کشور مثل آمریکا علاوه بر نظرات دولت

آمریکا مطرح‌اند، در حالی که دیپلماسی سنتی با روابط یک دولت با دولت دیگر مرتبط است و مقامات سفارت یک کشور دیگر، معرف آن کشور به شمار می‌روند در صورتی که دیپلماسی عمومی متضمن مشارکت بسیاری از عناصر غیر دولتی جامعه است (Dervish, 2005: 7-8). به مفهوم دیگر تفاوت دیپلماسی عمومی و دیپلماسی رسمی در غیر رسمی بودن، مشخص نبودن هدف، فراگیرتر بودن مخاطبان، تنوع ابزار و امکانات دیپلماسی عمومی است.

دیپلماسی عمومی در حقیقت ترجمه واژه انگلیسی *Public Diplomacy* است. استفاده از واژه دیپلماسی عمومی در بین متخصصین این حوزه، عمومیت بیش‌تری دارد و هم‌چنین بیان‌کننده معنای وسیع‌تری از این نظر است به طوری که در واژه عمومی هم اطلاق به عموم مردم و هم اطلاق به کلیه ابزارهایی که در این نوع دیپلماسی استفاده می‌شود، دلالت دارد. لذا نگارنده این واژه را در این مقاله به کار می‌گیرد. در حقیقت باید اذعان کرد که توافق اساسی در مورد چگونگی تعریف دیپلماسی عمومی در میان متخصصان و محققان این حوزه وجود ندارد. آیا دیپلماسی عمومی حمایت و پشتیبانی از سیاست‌های دولت در برابر سایر کشورها و مردم جهان است؟ آیا این مضمون به معنای ارتقای وجهه کشور در سایر نقاط جهان است؟ و این امر چه فعالیت‌ها و اقداماتی را شامل می‌شود؟ (Roberts, 2006: 44). دیپلماسی عمومی یک زمینه جدید در حوزه عمل و نظر است که توجه‌ها را در قرن بیستم، یعنی زمانی که دیپلماسی تحت سلطه رسانه‌ها و افکار عمومی قرار گرفت به خود جلب کرد. این وضعیت در طول دوره جنگ سرد مستحکم‌تر شد و این به دلیل تبلیغات شدید برای بدست آوردن حمایت در جهت توازن شکننده تسلیحات هسته‌ای و درگیری ایدئولوژیک برای قلب‌ها و ذهن‌های مردم جهان بود. دیپلماسی عمومی در دوران جنگ سرد اشاعه دهنده مطالعات کثیری برای ابزارهایی بود که ابرقدرت‌ها و دولت‌های دیگر برای رسیدن به هدف‌هایشان از آنها استفاده می‌کردند. مرحله جدید در توسعه دیپلماسی عمومی بعد از یازده سپتامبر و حمله تروریستی به واشنگتن توسط گروه القاعده آغاز شد (Gilboa, 2008: 74).

دیپلماسی به روش کلاسیک به بحث درباره چگونگی ارتباط بین رهبران و سران دولت‌ها با یکدیگر در بالاترین سطح می‌پردازد. دیپلماسی عمومی - طبق روایت آژانس اطلاعات ایالات متحده (USIA) بر روی این که یک کشور چگونه می‌تواند با شهروندان دیگر کشورها ارتباط برقرار کند متمرکز می‌شود. دیپلماسی عمومی مؤثر از دیالوگ آغاز می‌شود و می‌تواند به عنوان یکی از



ابزارهای مؤثر در سیاست خارجی به حساب آید. البته دیپلماسی عمومی به عنوان یک خیابان دو طرفه نیز می‌باشد.

در کنار استفاده از رسانه‌ها، دیپلماسی عمومی دربرگیرنده اشکال دیگری از ارتباطات با مردم سایر کشورها می‌شود. برنامه‌های تبادل دانشجویی، برگزاری سمینارها و جلسات با تجار خارجی و چهره‌های شاخص دانشگاهی نیز جزو این اشکال هستند. دیپلماسی عمومی غیر مستقیم شامل هر فعالیتی است که به صورت بین‌المللی انجام می‌شود که مشتمل بر فعالیت‌های فرهنگی، تولید فیلم، توریسم، تئاتر و مباحث اینترنتی می‌باشد. دیپلماسی عمومی برجسته کردن و ارائه منافع ملی به وسیله اطلاع رسانی، درگیرسازی و تحت تأثیر قرار دادن مردم در سراسر جهان است. دیپلماسی عمومی کمک کرد تا غرب در جنگ جهانی دوم پیروز شود و این می‌تواند کمک شایانی برای جنگ علیه ترور باشد (Wolf, 2004: 59). بی‌شک اکنون بهترین فرصت برای جهان اسلام خواهد بود تا در ورای این فتنه انگیزی‌ها و تنش‌ها، از این اهرم مهم در جهت دوری از افراط گرایی و دموکراسی سازی در کشورهای کمتر توسعه یافته استفاده نموده و آینده جهان اسلام را دستخوش تحولی عظیم و رو به توسعه سوق دهد.

در زمینه تفاوت این دو نوع دیپلماسی؛ روس می‌گوید: «من دیپلماسی عمومی را به عنوان وجه عمومی دیپلماسی سنتی منظور می‌کنم. دیپلماسی سنتی به دنبال تأمین منافع دولت از خلال تبادلات خصوصی با دولت‌های بیگانه بود. دیپلماسی عمومی در همکاری و به موازات تلاش دیپلماسی سنتی بسیار مؤثر خواهد بود» (Ross, 2002: 22).

دیپلماسی عمومی مانند سایر مفاهیم و نظریه‌ها یک شبه ایجاد نشده و سیر تکاملی را طی کرده تا به این مراحل رسیده است. واژه دیپلماسی عمومی به تازگی وارد واژگان سیاسی شده است. با وجود این که این اصطلاح دست کم به مدت ۳۰ سال توسط متخصصان به کار برده شده و پیش از این به عنوان تبلیغات، پروپاگاندا، اطلاع رسانی بین‌المللی و برنامه‌های فرهنگی بیان و اجرا شده است (Roberts, 2007: 63).

پروپاگاندا با هدف تأثیر بر افکار عمومی، از اول تاریخ وجود داشته است. برای مثال در زمان داریوش اول سال (۵۱۵) قبل از میلاد مسیح، در کتیبه بیستون کنده کاری‌های تبلیغاتی انجام شده

است. هم‌چنین در امپراطوری هند قدیم نیز از تبلیغات به طور قابل ملاحظه‌ای بهره می‌گرفتند. تبلیغات غربی‌ها در جهان اسلام پدیده تازه‌ای نیست. بلکه باید در نظر داشت که غربیان حتی زمانی که نسبت به مسلمانان در ضعف کامل نیز به سر می‌برده‌اند دست به چنین اقداماتی زده‌اند. آن‌ها در زمان ضعفشان تلاش می‌کردند تا با ایجاد اختلاف میان ایرانیان و عثمانی‌ها دشمن خود را ضعیف‌تر سازند و در همین راستا بارها سفرایی برای تحریک سلاطین ایرانی بر علیه عثمانی‌ها تعیین می‌کردند، اما آنچه که بسیار جالب است این که در نیمه دوم قرن شانزدهم، از قدرت و پیشروی ترکان عثمانی واهمه داشتند و در ضمن کوشش می‌کردند که با دول شرقی عثمانی اتحاد برقرار کنند و آنها را علیه عثمانی‌ها مجهز نمایند.

به طور کلی هدف از دیپلماسی عمومی را در وهله اول نشان دادن اینکه آنچه که شما عرضه می‌کنید از سایر جایگزین‌هایش جذاب‌تر است و دوم، حفظ متحدان در کنار یکدیگر دانست (Leonard,2002:52).

#### جایگاه قدرت نرم در مکتب اسلام

در جهان اسلام به علت همسانی کارکردهای دین با مؤلفه‌ها و پدیده‌های سیاسی - اجتماعی، اساساً قدرت نرم در لایه‌های مختلف آن دیده می‌شود. برای مثال، منشأ آسمانی و الهی ارتباطات گواهی بر این مصداق می‌باشد. به عبارت دیگر، دین و سیاست و ارتباطات پیرامون آن در هم تنیده و خاستگاه و ماهیت این مکتب، سیاسی می‌باشد که در بطن خود با افکار عمومی در ارتباط است. در مکتب اسلامی، کالبد بشر ترکیبی از جسم و روح می‌باشد که این دو عامل لازم و ملزوم یکدیگر در کنش و واکنش‌های انسانی هستند. در دین مبین اسلام، می‌توان به عناصر قدرت نرم بدین شرح اشاره داشت که فرهنگ اسلامی و ارزش‌های اسلامی دو بعد عمده و لاینفک این مکتب قلمداد می‌گردند (Pourahmadi and Jafaripناه,2012:98).

---

۱. چنانکجا در کتاب تبلیغات و چگونگی به کارگیری آن در طول جنگ از این موضوع در امپراطوری هند قدیم توضیحات زیادی را ارائه نموده است.

## عناصر قدرت نرم در دین مبین اسلام

الف) عنصر فرهنگی

ب) عنصر ارزشی - سیاسی

الف) عنصر فرهنگی

در اسلام مهم‌ترین موضوعات و مفاهیم در قالب تفکر و ماهیت فکر کردن برمی‌گردند. بدین معنی که تعالیم و آموزه‌ها استدلال‌ات منطقی و تبیین شده دارند و هر فرد برای کسب این فرهنگ، نیاز به مطالعه و تحقیق و همچنین اجرای آن احکام دارد. در عنصر فرهنگی به موارد متعددی از قبیل:

فرهنگ علمی - آموزشی، فرهنگ مقاومت و فرهنگ وحدت و همگرایی می‌توان اشاره کرد.

۱. فرهنگ آموزشی - علمی: در تمام ادیان الهی، بالاخص در دین مبین اسلام از این مؤلفه به طور قابل توجهی نام برده شده است. در آیات قرآنی و در احادیث و روایات ائمه اطهار علیهم السلام این مورد نقل گردیده است. برای مثال در سوره علق این چنین آمده است که خداوند بشر را به چیزهایی که نمی‌دانست تعلیم کرد. در این فرهنگ و آموزه‌ی دینی اسلامی بیشتر برای نجات انسان از جهالت و پیشرفت او برای رسیدن به کمال تأکید می‌گردد. همان درجه و مرتبه‌ای که اکنون دانشمندان و تمام مکاتب علمی بالاخص مکاتب آکادمیک غربی دنبال می‌کنند.

سؤال اینجاست که در این فرهنگ علم آموزی و آموزشی چند درصد از انتشارات و نوشته‌های فعلی ظرفیت جوامع اسلامی را تحت پوشش قرار می‌دهند. بدیهی است که تولید علم باعث شکوفایی شده و این بازخورد نهایتاً به جذب مخاطبین در اقصی نقاط می‌انجامد. نگارنده بر این باور است که با تبدیل کارویژه‌ها و بازتعریف ساختارهای سازمان‌های بین‌الدولی منطقه‌ای مانند سازمان کنفرانس اسلامی می‌توان راه‌های جدید همکاری‌ها و آگاهی‌بخشی‌های علمی و آموزشی را در جهت مقابله با افراط‌گرایی و خشونت پایه‌ریزی کرد و بجای برگزاری کنفرانس‌ها و خطابه‌گویی‌های تکراری، به عمل‌گرایی در حوزه اجتماعی و غیردولتی نیز پرداخته شده و دیپلماسی علمی و عمومی اسلامی را نیز در دستور کار قرار داد.

۲. فرهنگ وحدت و همگرایی: در سوره آل عمران خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید:

و همگی به ریسمان خدا(قرآن و اسلام و هرگونه وسیله وحدت)، چنگ زنید و پراکنده نشوید! و

نعمت(بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید.

بهترین و مستدل‌ترین استناد برای توجیه رفتار و ارتباطات فرهنگی در زمینه وحدت، آیه فوق می‌باشد. همواره در تاریخ روابط کشورها به این مورد اشاره می‌گردد اما تفاوت عمده این موضوع با دیگر کشورهای غیرمسلمان در این است که اخوت و برادری به معنای دینی برای مسلمانان ارزش بالایی داشته و این وجه تمایز می‌بایست عاملی برای سازگاری و دوری از خشونت و افراطی‌گری باشد.

۳. فرهنگ مقاومت طلبی: هویت مسلمانان با واژه‌های مقاومت‌طلبی و استکبارستیزی و همچنین روحیه شهادت‌طلبی عجین گردیده است. به عبارت دیگر، فرهنگ شهادت‌طلبی به عنوان اصلی‌ترین منبع قدرت نرم در بین مسلمانان محسوب می‌گردد (Eftekhari and Shaabani, 2010:99). این فرهنگ غنی در هر فرهنگی به جزء اسلام، جایگاه والایی نداشته و ندارد. بی‌شک این عنصر فرهنگی و قدرت نرم در زمینه ایجاد مقابله با افراط‌گرایی و خشونت، به طور هوشمندانه‌ای مهندسی معکوس گردیده و تحت لوای تشکلهای مقاومت محور در کشورهای اسلامی قابل پیاده‌سازی می‌باشد. به طوری که بتوان با سازمان‌های مردم‌نهاد در لایه‌های زیرین جوامع همسو و همگام بوده و سیاست‌های کلی کشورهای اسلامی با وحدت رویه، همگرایی را در دستور کار خود قرار بدهند.

#### ب) عنصر ارزشی - سیاسی

۱. توحید: وحدانیت خداوند در دیدگاه اسلام به عنوان اصلی تغییر ناپذیر و بسیار متقن بشمار می‌رود. کشورهای اسلامی در سیاست‌ها و تبادلات و ارتباطات خود، اولین موضوع مشترکشان توحید و یکتاپرستی و اشتراکات فرهنگی و عرفی است که نوع تعامل آنها را از ارتباط با دیگر کشورهای غیراسلامی متمایز می‌کند. در دین مقدس اسلام اعتقاد به پیوستگی سیاست و اخلاق وجود دارد و آنچه به لحاظ اخلاقی نادرست است، نمی‌تواند به لحاظ سیاسی نتیجه مطلوبی بدهد (Alam, 2002:74). در جبهه مقابل این نظر و عقیده، رقابت‌های سیاسی و به نوعی می‌توان

گفت نژادی در بین مسلمانان باعث تفرقه و از هم گسیختگی بین آنها گردیده است که موضوعاتی مانند عرب، غیرعرب، ترک، کرد و ... آنها را از ارزش‌های اسلامی دور نموده و در نهایت به تقابل قومیتی می‌انجامد. خداآوری و توحید در رأس همه امور، باعث شکست هواهای نفسانی و مستولی شدن یک دیدگاه سیاسی می‌گردد. در این نوع عنصر ارزشی می‌توان با ایجاد ارتباطات گسترده در جوامع علمی یعنی محافل دانشجویی و آکادمی‌های علمی به شناخت دقیق‌تری از این موضوع رسیده و با پل‌های توحید محور به اشتراکات ارزشی بیش‌تر تکیه و تأکید نمود.

۲. گفتمان اخلاق مداری اسلامی: در سیره‌ی نبوی و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) آنچه که بی‌مقدمه در مورد آن می‌توان صحبت کرد، رأفت و اخلاق حسنه می‌باشد. اخلاق اسلامی در همه مذاهب اسلامی بطور مشترک قابل پذیرش هست و اجماع کلی در این رابطه وجود دارد (sajjadi, 2003: 26). اما چه عواملی در این خصوص، باعث تفکیک ارزش‌ها و ترویج اخلاق غیراسلامی می‌گردد؟ در پاسخ می‌توان عوامل متعددی را بیان کرد که برخی عوامل داخلی می‌باشند و برخی عوامل خارجی. عوامل داخلی از تفاوت دیدگاهی و تفسیرهای متفاوت از دین و سیره‌ی نبوی و البته شرایط محیط نشأت می‌گیرند و عوامل خارجی نیز با ایجاد تفرقه و ترویج بدعت‌های غیرموجه از طرف دشمنان و کشورهای سودجویی می‌باشند که سعی در ایجاد آشوب و تنش در حوزه جغرافیایی مسلمانان داشته و به علت پویایی و جهان‌شمول بودن ارزش‌های اسلامی سعی در مقابله می‌نمایند.

اما با توجه به اشتراکات در ارزش‌های اخلاقی بین مسلمانان، با تکیه بر روحیه امیدبخشی و ایثار، آزادی عقیده، رعایت حقوق دیگران و احترام متقابل و هم‌چنین نهی کردن از موضوعات غیراخلاقی مانند دروغ، هتک حرمت، تجاوز، دزدی و ... می‌توان با توجه به شرایط فعلی در این جوامع، سیاست‌های ترمیمی را به ساختار آموزشی و فرهنگی نهادهای دولتی و غیردولتی تزریق نموده تا شرایط در سال‌های پیش رو، تغییر نماید.

۳. گفتمان عدالت محور: در اندیشه اسلامی، عدالت و برابری به شکلی قابل توجه تعریف و تمجید گردیده است. به شکلی که اصلی‌ترین گفتمان در بعد از دهه ۸۰ میلادی بین گروه‌های اسلام‌گرا رفع تبعیض و برقراری عدالت بین مردم شناخته می‌گردد. برای مثال امام خمینی (ره) رهبر انقلاب اسلامی ایران در نطقی عنوان می‌کنند که «ما می‌خواهیم عدالت اسلامی در این مملکت برقرار

کنیم. اسلامی که عدالت محور باشد، اسلامی که در آن هیچ ظلمی نباشد ... » (Imam Khomeini, 1991:24).

با تکیه بر این گفتمان می‌توان برابری و رفع تبعیض را در جهت رشد و نمو ارزش‌های اسلامی در جهان اسلام گسترش داده و با استفاده از قوانین و عرف اسلامی منطبق بر معیارهای روز دنیا در جهت رفاه و آسایش مردم در زندگی به تبلیغات رفع تبعیضی نیز اشاره کرد. امروزه آنچه در دنیای فعلی نقش مهم و تأثیرگذاری بر این نوع ارزش‌گذاری‌ها دارد، رسانه و نحوه مدیریت آن می‌باشد. رسانه‌های اسلامی تاکنون به علت گرایش‌های سیاسی - عقیدتی به برنامه‌های غیرارزشی و تخریبی نیز پرداخته که این موضوع برخلاف آموزه‌های دینی بوده و به تخریب جایگاه دین می‌پردازد. و از طرفی باعث فاصله و واگرایی بین جوامع و اقشار مختلف می‌گردد.

#### دیپلماسی عمومی در جهان اسلام

در حوزه دیپلماسی عمومی که کار اصلی آن تبلیغات و درگیرسازی مردم در سراسر جهان می‌باشد، می‌توان به راه‌های مؤثری اشاره داشت. بدیهی است که جهان غرب و غیراسلامی با ایجاد فضای رسانه‌ای و تبلیغ علیه اسلام و ترویج اسلام‌هراسی در دو حوزه فعال می‌باشد. اولین حوزه مربوط به سیاست‌گذاری‌های کلان کشورها می‌باشد و دومین حوزه به عوامل رسانه‌ای و بنگاه‌های اقتصادی خصوصی و غیردولتی بر می‌گردد.

دیپلماسی عمومی در اسلام از پیشینه‌ای بسیار طولانی برخوردار است و در واقع می‌توان گفت تاریخچه‌ی کاربرد آن به دوران صدر اسلام و رسالت پیامبر(ص) بر می‌گردد. به تعبیر دیگر، نبی مکرم اسلام(ص) همزمان با به کارگیری دیپلماسی سنتی، از ساز و کارها و اهرم‌های قدرت نرم و دیپلماسی عمومی برای برقراری ارتباط با دیگر ملت‌ها و هم‌چنین انجام رسالت خود در سطح جهانی استفاده کرده است.

در جهان اسلام، دیپلماسی عمومی را می‌توان به دو برهه زمانی اختصاص داد:

۱. دیپلماسی عمومی صدر اسلام تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷ شمسی)

۲. دیپلماسی عمومی بعد از انقلاب اسلامی ایران

برخی از مهم‌ترین روش‌های دیپلماسی عمومی در زمان پیامبر اکرم (ص) بدین شرح هستند: روش سیاسی (مذاکره)، روش فرهنگی - تبلیغی (اعزام مبلغ)، روش حقوقی (انعقاد عهدنامه و توافق‌نامه‌ها)، روش اقتصادی (تألیف قلوب) و روش بشردوستانه (Akhavan Kazemi and Azizi, 2009: 12). بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تحولات و جنبش‌های زیادی در مناطق مختلف دنیا متأثر و شکل گرفتند. در واقع، جمهوری اسلامی با تثبیت موجودیت خود، ناخواسته به دیپلماسی عمومی روی آورده و نمادی برای استقلال‌طلبی و دموکراسی برای اغلب کشورهای اسلامی محسوب گردید. اما در زمان فعلی و برای جهت‌یابی مسیر به افق ۱۴۱۴، نیاز به بازنگری مؤلفه‌های دیپلماسی عمومی در بین کشورهای اسلامی بالاخص جمهوری اسلامی ایران به عنوان منادی دموکراسی و الگوی مقاومت‌طلبی علیه استعمار و استکبار بوده که به نوعی مهم‌ترین جنبش فعلی به شمار می‌رود. با توجه به ظرفیت‌های موجود و الگوپذیری از تحولات جهانی بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، خشونت و افراطی‌گری در فاز جدید خود در دیدگاه اسلامی نمایان گردیده که متأسفانه با برنامه‌ریزی مغرضانه برخی کشورها و زمینه نامناسب جوامع اسلامی از لحاظ فرهنگی و اقتصادی، جهان اسلام متهم به این پدیده نامقبول بشری گردیده است.

در راستای تولید ادبیات علمی و محوریت یافتن اتحاد اسلامی در جهت الگوپذیری کشورهای دیگر اسلامی از کشور ایران، بهترین راه و کم‌هزینه‌ترین راه از لحاظ سرمایه‌گذاری، به کارگیری و اتخاذ سیاست‌های هوشمندانه در زمینه قدرت نرم و دیپلماسی عمومی می‌باشد. بعد از تحولات بیداری اسلامی در بین کشورهای اسلامی، بدون شک الگوی سیاسی و مستحکم حکومت‌مداری در جهت شکل‌گیری نظام‌های سیاسی، نیاز اساسی کشورهایمانند مصر، لیبی، تونس و برخی دیگر کشورها می‌بود که در این میان متأسفانه اقدامات لازم شبکه‌های ارتباطات سیاسی و فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به خوبی به کار گرفته نشدند. دیپلماسی عمومی که کار ویژه‌ای نرم‌گونه در ایجاد آگاهی‌بخشی و ارتباطات مفید بین‌الدولی و بین‌المللی دارد، می‌تواند به عنوان عاملی در جهت امنیت‌بخشی و هموارگر در رسیدن به ثبات سیاسی و نهایتاً دموکراسی در کشورهای اسلامی معرفی گردد. ارزش‌های

مشترک جوامع اسلامی در ساختار قدرت در کشورهای مختلف جای گرفته‌اند و این ارزش‌ها می‌توانند در جلوگیری از خشونت و رادیکالیسم مذهبی با به کارگیری ابزارهای جدید قدرت نرم و دیپلماسی عمومی چهره مخدوش شده اسلام را بازسازی نمایند. آنچه که بدیهی است ارتباطات گروه‌های غیردولتی در بین جوامع اسلامی بسیار ضعیف بوده و این ابزار دیپلماسی عمومی مغفول و دستخوش بازی‌های سیاسی گردیده است. با ایجاد بازیگران جدید مانند سازمان‌های غیردولتی، جنبش‌های دانشجویی، گسترش رسانه، شرکت‌های چندملیتی، همکاری‌های علمی - فرهنگی و حتی استفاده از چهره‌های نخبه سیاسی، علمی و فرهنگی - ورزشی می‌توان سطح ارتباطات در جهان اسلام را به جهت رسیدن به توسعه و گسترش ارتباطات به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش داد. هم‌چنین با فراهم‌سازی زمینه ارتباط اساتید، پژوهشگران و دانشجویان دغدغه‌مند در حوزه جهان اسلام با یکدیگر و ایجاد شبکه نخبگانی به عنوان دهکده نخبگان اسلامی با نام (دهنا) می‌توان از این ظرفیت موجود به طور شایان توجهی استفاده نمود.

##### ۵. نتیجه‌گیری

روش‌های دیپلماسی عمومی در جهان اسلام در افق ۱۴۱۴ (ه.ش) می‌توانند باز تعریف جدی شده و به مهندسی معکوسی در راستای ارائه تصویر درست و اسلام ناب از طرف کشورهای اسلامی مبدل گردند. مفاهیمی مانند مقاومت و ایثار که از طرف جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه ترویج و تثبیت گردیده‌اند، اکنون به عنوان ابزار قدرت نرم در جهت زمینه‌سازی برای تدوین استراتژی‌های میان مدت و بلند مدت، جهت مواجهه فعال با تحولات آینده و ریل‌گذاری برای آینده مطلوب ایران با سایر کشورها بشمار می‌روند. با توجه به ساختار تعریف شده در این تحقیق، دیپلماسی عمومی برجسته کردن و ارائه منافع ملی به وسیله اطلاع رسانی، درگیرسازی و تحت تأثیر قرار دادن مردم در سراسر جهان است. دیپلماسی عمومی کمک کرد تا غرب در جنگ جهانی دوم پیروز شود و این می‌تواند کمک شایانی در جهت جنگ علیه ترور باشد (Wolf, 2004:56). در کشورهای حوزه جهان اسلام سیاست‌گذاران می‌توانند با به کارگیری از ظرفیت دهکده نخبگان



جهان اسلام (دهنا) برای حل مشکلات پیش رو و احتمالی استفاده نموده و با تبیین چشم انداز مشخصی، به اهداف مشترکی به موفقیت و اتحاد اسلامی برسند.

اعتقاد مسلمانان به عوامل فرهنگی و ارزشی بر تمام عوامل دیگر ارجحیت و اولویت داشته و دارد. عواملی مانند، تکیه بر ایمان، آزادگی و عدالت، محبت و برادری میان ملت‌ها و اقوام و هم‌چنین ادیان الهی و ابراهیمی، بالاخص گرایش به وحدت و همبستگی از جمله عواملی هستند که می‌توانند ابزاری مهم برای تئوریزه کردن کارویژه‌های دیپلماسی فرهنگی و عمومی شناخته شوند. بی شک، ممکن است به این سؤال مهم در این زمینه مواجه شویم که چرا اسلام که در زمان‌های قدیم و جدید از جایگاه والایی در عرصه‌های مختلف فرهنگی، علمی و تمدنی برخوردار بوده است، از قطار پیشرفت، دموکراسی و مدرنیزاسیون فرهنگی و حتی تمدن عقب مانده است؟ با وجود نهادها و سازمان‌های بزرگ اسلامی مانند سازمان همکاری کشورهای اسلامی (OIC)، اتحادیه عرب (AL)؛ شورای همکاری خلیج فارس (PGCC) و ... هنوز کم‌ترین اقدامات در جهت به کارگیری دیپلماسی عمومی برای آنها متصور نشده است. دغدغی جهان حاکم برای بازیگری و جذب افکار عمومی در این برهه زمانی، فعالیت‌های فرهنگی و استفاده از قدرت نرم می‌باشد. برای مثال در اتحادیه اروپا بودجه‌های فرهنگی در حوزه قدرت نرم به اندازه کل بودجه یک کشور ثروتمند اسلامی تخصیص و تحقق داده می‌شود تا به جهت رسیدن به پیشرفت و رفاه و همچنین فرهنگ‌سازی در سطح کلان، بر علیه عقب ماندگی و افراطی‌گری تلاش نمایند. به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی‌های مناسب در ساختار این نهادهای مهم منطقه‌ای و بین‌المللی در میان کشورهای اسلامی، کمک شایان توجهی به آگاهی‌بخشی و رشد دوباره فرهنگ ناب اسلامی و جذب افکار عمومی جهانی خواهد نمود. لذا با ایجاد بازیگران جدید مانند سازمان‌های غیردولتی، جنبش‌های دانشجویی، رسانه‌ای، شرکت‌های چندملیتی، همکاری‌های علمی - فرهنگی و حتی استفاده از چهره‌های نخبه سیاسی، علمی و فرهنگی - ورزشی می‌توان سطح ارتباطات در جهان اسلام را به جهت رسیدن به توسعه به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش داد.

در این راستا، می‌توان هم‌چنین به سیاست‌های جدی و بعضاً جدیدی اشاره نمود که شامل: برنامه‌ریزی جهت تعیین سیاست تولید و توزیع محصولات فرهنگی با کیفیت بالا و رقابت‌پذیر با

محصولات مشابه غیراسلامی. برنامه‌ریزی در جهت تلاش برای افزایش بینش دینی و ارتقای معرفت، پرهیز از انجام فعالیت‌های تکراری و ایجاد خلاقیت، تبادلات فرهنگی جدید و جایگزین مانند برقراری همکاری‌های غیردولتی و آموزش محور، ایجاد فضایی مناسب برای فعالیت سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و موارد متعدد دیگر در زمینه رسانه، سینما، ورزش، موسیقی و ... را می‌توان نام برد تا بلکه تعریف جدیدی از فرهنگ غنی اسلامی با افتخار به یادگار بماند.

#### ۶. قدرت‌دانی

«موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است».



## References

1. Akhavan Kazemi, Maseod; Azizi, Parvane(2009). Public Diplomacy and its Islamic Pattern, Media Quarterly, No. 80.[In Persian]
2. Alam, Abdul Rahman (2002). Foundations of Tehran Political Science, Ney Publishing, Print 9.[In Persian]
3. Dervish, Reza Dada (2005). American Book 6 (Special on Public Diplomacy in America), Cultural Institute of International Studies and Research, Tehran Contemporary Art.[In Persian]
4. Eftekhari, Asghar; Shaabani, Naser (2010). Soft Power. The Asymmetric Battle of Analyzing the 33-Day Hezbollah War and the 22-Day War in Gaza ,Tehran, Imam Sadegh Publications, print 1.[In Persian]
5. Gilboa, Eytan (2008). Searching for a Theory of Public Diplomacy, 616 (1).
6. Imam Khomeini (Rah), Ruhollah (1991). Sahifeh-e Noor, Ministry of Culture and Islamic Guidance, Tehran, Vol. 2.[In Persian]
7. Is America's monopoly on the use of soft power coming to an end? BBC Persian, December (2014). [http://www.bbc.com/persian/world/2014/12/141122\\_131\\_an\\_soft\\_power\\_us\\_america](http://www.bbc.com/persian/world/2014/12/141122_131_an_soft_power_us_america). [In Persian]
8. Islamic Culture and the Consequences of Globalization; Islamic World Cultural Strategy (1) (2006). Journal of Research, Scientific Meeting on Islamic World Cultural Strategy Review, Volume 4, Number 12
9. Leonard, Mark; Small, Andrew; Rose, Martin(2002). British Public Diplomacy in the age of Schisms, The Foreign Policy Centre.
10. Mark Henry, Paul (1995). Massoud Mohammadi's Translation, Poverty, Progress and Development, Tehran: Department of Foreign Affairs Press and Publication.[In Persian]
11. Nye, Joseph (2004). Soft Power: The Means to Success in World Politics, Public Affairs; first Edition.
12. Pour Ahmadi, Hossain; Jafari Panah, Mehdi (2012). Soft Power from the Islamic Perspective and Its Application in the Islamic Republic of Iran, Soft Power Studies Quarterly, Volume 2, Number 6.[In Persian]
13. Roberts, Walter. R (2006). The Evolution of Diplomacy, mediterranean Quarterly , Volume 17, Number 3.
14. Roberts, Walter.R (2007). What Is Public Diplomacy? Past Practices, Present Conduct, Possible Future, Mediterranean Quarterly, Volume 18, number 4.
15. Ross, Christopher (2002). At Brookings/Harvard Forum, January 16.
16. Sabilianan Ardestani, Hasan (2004). Operationalization of Psychological operations, Psychological Operations Quarterly, Issue 5.[In Persian]
17. Sajjadi, Seyyed Abdoll Qaiom (2003). Diplomacy and Political Behavior in Islam 3, political Science, vol 21, year 6. [In Persian]

18. Simber, Reza (2006). The Characteristics of Modern Diplomacy in International relations: Interactions and Influences, Quarterly Journal of Foreign Policy, 20, no. 1, Spring. **[In Persian]**
19. The Holy Quran.
20. Wolf, Charles Jr; Brian Rosen (2004). Public Diplomacy: How to Think about and Improve It, RAND Corporation

